



۲۰۲۳/۱۱/۲۳

محمد آصف فقیری

انسجام مبارزات مدنی و نظارت آن – شتابی بنیادی برای تغییر

فقدان انسجام و مدیریت مبارزان مدنی سیاسی پسا ۲۰۲۱ بستر برای فعالیت های طالبانی در گسترش قدرت نامشروع و نقض حقوق بنیادین در افغانستان بوده است.

انسجام از خود بیرون رفتگی و ما شدن در تضاد من منفور و افکار استبدادی قومی سمتی است. و عدم هدف و برنامه راه بدیل، عناصر بیرون چون سازمان ها و قدرت ها را، راجع به افغانستان سرد و بی تفاوت کرده است.

حالا با استفاده از واحد های سیاسی افغانستان در کشورهای بیرون، انتخابات های چون: رهبر برای راهبردی راه بدیل در افغانستان و انتخابات حقوقدانان در امر تقنین هر قدم بسوی اهداف و نظارت آن، به منظور فردی و گروهی نشدن راهبرد. و بعد از هر واحد سیاسی را، منحیث یک کمیته راهبردی استفاده کرده و در امر پیشبرد پدیده ها، از مشاوره های مردم در داخل یعنی از طریق راه های مجازی به گونه آزاد و همگانی شده استفاده کرد.

که اشتراک افغان های مقیم در خارج و از داخل از طریق مجازی در مدیریت انتخابات در مطالعات حقوق انتخابات قابل هضم است.

چالش های منظقی:

طالبان پاکستانی و حکومت پاکستان و حفظ جان شهروندان افغانستان، و تشنج زدایی به منظور جلوگیری کشاندن جنگ در افغانستان با استفاده از نشست های منطقه وی، در حیطه این انسجام تا روابط همسایه ها با طالبان و این انسجام، بگونه مثلث و از طرفی تاثیر، این راهبردی با حاکمیت قانون و فرهنگ قانون درون انسجام راهبردی، امر تعامل بسوی تغییر و برق آسای پروسه را قابل استنتاج می کند.

واحد سیاسی:

واحد های سیاسی و نمایندگان آن، ابتکار این عمل را در دست دارند. و بیدون شک شفافیت در امر انتخابات با نظارت رسانه جمعی و مدیریت آن با امکانات ابتدایی دست یافتنی است. که از بعد از انتخابات رهبر و حقوقدانان، انتخاب مسوول هر کمیته توسط انتخابات حقوقدانان منتخب صورت گیرد. زیرا رهبری و اعضاء کمیته های در امر گفتگوها و حل منازعات و مجموعه فعالیت ها تا رسیدن به قدرت مشروع و نظارت حقوقدانان و تقنین از مسیر پژوهش، پژوهش شده پدیدهها در بستر رسانه ها، در رفع بندش های موانع مردم سالاری و تاسیس بنیادهای فکری اسلامی جمهوری در جامعه، سنگ بنای پایداری قدرت است که گذاشته شود.

تبعض مثبت:

از آنجاییکه خانم ها در تبعض آشکار در داخل کشور قرار دارند، پینشهاد می شود تا رهبر راه بدیل از خانم ها باشد.

دیپلماسی و جنگ:

اگر با طالبان از راه نظامی وارد شویم و جنگ به ده ها سال طول بکشد، آخر الامر راه حل گفتگوست. پس چرا حالا گزینه اول گفتگو نباشد. و ایجاد نیروی نظام و ارتباطات آن با قدرت ها، نماد وحدت و بلوغ سیاسی و روح بخشیدن به راهبر دست. که بیدون شک بیدون شمشیر تعهد فقط حرف است.

و بعد رسیدن به قدرت تشکیل قوه قهریه چون اردو، پلیس و امنیت محصول باشد از این ریشه نیروهای که اکنون در جریان و یا در حالت آمدن شدن هستند.

خرد سیاسی:

گزینه نظامی در مقابل رادیکالیسم نتیجه معکوس می دهد و داده است. در صورت پیروز شدن نظامی هم، عناصر بازدارنده آن، در جامعه باقی می ماند. زیرا از بین رفتن آن ریشه در تغییر افکار بدوی بسوی مدرنیته دارد، که زمان گیرست. و گزینه نظامی فاقد دیپلماسی یا تخصیص ندادن دیپلماسی در نخست و از قدرت نظامی چون نماد استفاده نکردن، طولانی ساختن جنگ و نگه داشتن جامعه در سیر تنازل می باشد.

نوت: البته تز فوق، انتی تز خود را خودش تولید می کند، تا سانتیز = نیروی اراده و تولید خرد، از واقعیت و تجربه عمل نماید. غزل آورده شده، عمق جوهره دیپلماسی را متجلا می کند، که بیدار شده است:

قوه نطق انسانی!

قدرت نطق هر ناطق، کیف اوست تمام
از قالدو بلی، تا آخرین دم را پیغام
صد هزار سخن، در نطق خموش
بطن بگفتارست، سوی جذب به انسجام
شیرین کامی، کوه کن در کوه
به پیشانی تقدیر، تیشه اش بیام
چو صد جان، یک دلربای پُر شهود
کز اصل پیدایش، بر آزادی انعام
خدنگ عشق، که نازنینی گل ها
محسن زحسنش، آغاز را فرجام
که کارهای بی پرده، زآنسو رُخ نماء
جاویدان در خموش، طلسم به کلام
پی کشش کوشش، فقیری بیدل را
کز جوهر من یشاء، در آبادی انهدام

محمد آصف فقیری

نویسنده و پژوهشگر علوم سیاسی



برای مطالب دیگر محمد آصف فقیری روی عکس کلیک کنید